



موانع توسعه ایران

به قلم علی اکبر نیکو اقبال

موسسه حساب پردازان معاصر ماندگار



بخش اول : مانع توسعه ایران چیست؟

مهم ترین عامل تأثیرگذار در وضعیت اقتصادی و اجتماعی هر کشوری در جهان امروز، دولت است. در سلسله یادداشت هایی، برگزیده ای از ارکان و تکالیف دولت در کشورهای پیشرفته و ایران را مورد مقایسه و بررسی قرار می دهیم.

الف ۱. یکی از وظایف اساسی دولت تأمین نیازهای عمومی نظیر تأمین راه های ارتباطی، اسکله و پل سازی، کانال کشی برای آبیاری، تجهیزات مخابراتی و ارتباط جمعی، تأسیسات تخلیه مواد زائد و... از یک طرف و تأمین مؤسسات آموزشی، بهداشتی-درمانی، حفظ و برقراری نظم عمومی، امور دادرسی و دادگستری، حفاظت از محیط زیست و... از طرف دیگر است. برای انجام این تکالیف، دولت باید آنها را از طریق مالیات، عوارض و کارمزد تأمین مالی کند که در ابتدای امر باید این منابع حاصل شود. از مهم ترین این منابع می توان مالیات های مستقیم و غیرمستقیم را برشمرد.

الف ۲. سهم کل مالیات های دولت در کشورهای پیشرفته بالغ به ۸۰ درصد و سهم مالیات بر درآمد حتی از ۴۰ درصد نیز تجاوز می کند:

سوئد ۵۷،۱۹ درصد، ژاپن ۵۵،۹۵ درصد، اتریش ۵۵ درصد، هلند ۵۱،۷۵ درصد، بلژیک ۵۰ درصد، استرالیا ۴۵ درصد و چین ۴۵ درصد.

البته این دولت ها در گرفتن مالیات های مصوب قانونی بسیار جدی و سختگیر در حد زندانی کردن متخلفان عمل می کنند و متقابلاً این میزان مالیات دریافتی را در راستای توسعه زیرساخت های اقتصادی نظیر راه سازی، اسکله سازی و پرداخت انواع سوبسیدها و مشوق های تولیدی و بهبود فناوری و بهره وری به جامعه تزریق کرده و برگشت می دهند؛ به طوری که مردم اثر پرداخت های مالیاتی خود را در توسعه صنعتی و رفاه اقتصادی احساس و لمس می کنند. مالیات به عنوان یک سیاست و ابزار بسیار مهم توسعه صنعتی و اجتماعی از تنوع زیادی برخوردار است: بخشودگی مالیاتی برای افراد کم درآمد و نرخ های تصاعدی برای دارندگان درآمدهای بیشتر و کلان از جمله سیاست های بسیار قوی برای تأمین عدالت اجتماعی (توزیع برابر درآمدها) و جلوگیری از ثروت اندوزی های کلان است.

از دیگر سیاست های مالیاتی، بخشودگی مالیاتی و به عبارتی سوبسید برای تولیدکنندگان خاص (صادرکنندگان یا تولیدکنندگان مهم و با ارزش مانند تولیدکنندگان انرژی های نو)، انواع مجوزها و مشوق های مالیاتی مانند مجوز ضریب استهلاک گیری بیشتر (مثلاً کاهش مالیات از ۲۵ درصد به ۱۵ درصد در صورت توزیع نکردن سود بین سهامداران و در نتیجه باقی ماندن سود در شرکت برای سرمایه گذاری های جدید) یا بخشودگی کامل مالیات و دادن یارانه (به صورت مالیات منفی)



موسسه حساب پردازان معاصر ماندگار

برای کمک به نوسازی و رقابت پذیری تولیدکنندگان مهم و معتبری هستند که در معرض خطر سقوط قرار گرفته اند. نمونه و مثال آن، شرکت بزرگ و معتبر بی ام و در آلمان است که با کمک مالی دولت از سقوط نجات پیدا کرد و اکنون از بزرگ ترین تولیدکنندگان خودرو در سطح جهان است. نمونه هایی از این مورد خاص البته در جهان صنعتی کم نیستند.

الف ۳. این شواهد حاکی از آن است که سیاست گذاری های مالیاتی، گذشته از آنکه یکی از ارکان و پایه های اساسی علم اقتصاد مدرن برای توسعه اقتصادی-اجتماعی یک کشور است، چگونه در عمل موفقیت و پیشرفت را پیش روی ما قرار می دهند. ما به همین اندک بسنده می کنیم و بحث بیشتر در سیاست گذاری های مالیاتی کشورهای صنعتی را به منابع منتشر شده محول می کنیم!

الف ۳.۱ شاید بسیاری از خوانندگان روزنامه شرق متذکر شوند مالیات تصاعدی موفقیت چندان در عدالت اجتماعی و برابری درآمدهای اقشار یا طبقات اجتماعی نداشته است و ندارد؛ زیرا فاصله درآمدهای ثروتمندان و طبقه کم درآمد و متوسط در کشورهای صنعتی نه تنها سالانه یا ماهانه بلکه لحظه به لحظه در حال افزایش است!! در این باره هم تحقیقات گسترده ای در رد یا توجیه آن انجام و منتشر شده است. تجربه کشورهای سوسیالیستی محض و مقایسه آن با کشورهای بازار آزاد در چارچوب قواعد و ضوابط عمیقاً اجتماعی مانند کشورهای اسکانداویناوی، آلمان، ژاپن و حتی تعدادی از کشورهای نوظهور مانند هندوستان نمونه هایی از موفقیت سرمایه داری لیبرال؛ ولی مسئولیت پذیر است که به آن در ادامه مقاله پرداخته می شود. بگذارید خاطره ای را در این باره ذکر کنم. سرگذشت گونتر گراس، سرمایه دار و سهامدار بزرگ آلمانی، ماه ها نقل مردم و مطبوعات عامه پسند آلمان همراه با عکس و تصاویر خوش گذرانی این فرد در کافه های شبانه در دهه ۷۰ میلادی بود. شدت یافتن این برنامه های شبانه و اوج گرفتن آن در مطبوعات و اثرات استهزاگونه و عتاب آلود آن در جوامع کارگری آلمان، منجر به برخورد اولتیماتوم گونه دولت آلمان با این سرمایه دار به این نحو شد که او باید یا از عیاشی دست بردارد یا سهام خود را کلاً به فروش برساند. این غائله با فروش سهام این شخص به دویچه بانک آلمان پایان یافت.

خلاصه :

فرد ثروتمند یا سرمایه داری که سرمایه او در خدمت رشد، اشتغال و توسعه اقتصادی کشورش باشد و از طریق بازدهی بسیار بالا، رشد بالای اقتصادی را تأمین و از این طریق و به دلیل مسئولیت اجتماعی، کمک به ایجاد اشتغال کند، هزاران بار ارجح بر اجبارهای سوسیالیستی و قطع ید سرمایه داران برای برابری درآمدها است. در سه یادداشت بعدی، به ابزارهای دولت و سهم آن در توسعه کشور از زوایای دیگری پرداخته خواهد شد.

مؤلف: علی اکبر نیکوآقبال. دانشیار دانشگاه تهران